

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۲۲ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

اگر طالبان، فرضاً، به رسمیت شناخته شوند

شمار اندکی در داخل و خارج افغانستان هستند که با لابی‌گری برای طالبان می‌خواهند راه به رسمیت شناختن این گروه هموار شود. بخش اعظم مردم کشور نگرانند که اگر حاکمیت این گروه به رسمیت شناخته شود، چه آینده تاریکی بر این سرزمین سایه خواهد گستراند. هنوز معلوم نیست که آیا طالبان واقعا بخت به رسمیت شناخته شدن دارند یا ندارند و اگر داشته باشند چه زمانی خواهد بود. دست‌کم همه در طی نزدیک به دو سال گذشته دیده‌اند که نوعی اجماع در جهان امروز وجود دارد مبنی بر این‌که گروهی با این ویژگی‌ها به هیچ صورت قابل به رسمیت شناختن نیست و حتی یک کشور نخواست است چنین گامی بردارد.

آنچه به نام تعامل با طالبان خوانده می‌شود، سیاست‌هایی است که کشورهای مختلف به پیش می‌برند تا از آن طریق منافع خود را دنبال و از زیان‌های ناشی از سیطره این گروه برای خود جلوگیری کنند. اگر این تعامل روزی به سرحد به رسمیت‌شناسی هم برسد، منافع سیاسی و امنیتی این کشورها مبنای این کار خواهد بود، نه منافع مردم افغانستان و کاستن از رنج بی‌پایانی که می‌برند.

از سوی دیگر اما، اگر حاکمیت گروه طالبان به‌عنوان نظام مشروع افغانستان به رسمیت شناخته شود، فاجعه‌ای رخ خواهد داد با ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی. نخست در سطح ملی، هنگامی که امید به تغییر وضعیت کاملاً فرو بخوابد، همه کسانی که به نحوی امکان مهاجرت و گریز از آن وضعیت را دارند راه فرار در پیش خواهند گرفت، چنان‌که از روز سیطره این گروه بر کابل تا اکنون شاهد آن بوده‌ایم. بخش کلان‌تر جامعه که فاقد امکانات حداقلی برای ترک وطن است، ناچار می‌شود که از روی استیصال به گزینه‌های دیگر بیندیشد، از جمله به مسلح شدن و روی آوردن به جنگ. یکی از دلایلی که در این مدت جنگ‌ها گسترش نیافته است، امیدی کمرق به تغییر رژیم و به میان آمدن حاکمیتی دیگر بوده است. هر گاه امیدی به تغییر وضعیت نباشد، جنگ‌های داخلی آغاز خواهد یافت.

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، گروه‌های خشونت‌گرا و افراطی اطمینان بیشتری پیدا خواهند کرد که می‌توان خود را از طریق انفجار و انتحار بر کشوری تحمیل کرد و نظام بین‌الملل نیز بنا بر انگیزه‌های سیاسی با آن کنار خواهد آمد. در سوی دیگر، کشورهای بیشتری تشویق خواهند شد که برای پیش‌برد اهداف سیاسی و امنیتی خود به گسترش جنگ‌های نیابتی از طریق گروه‌هایی مانند طالبان روی بیاورند. از این طریق، تروریست‌پروری به ابزاری رایج در منطقه و جهان تبدیل خواهد شد. همچنان، گروه‌هایی که به مبارزات مدنی و عاری از خشونت باور دارند و می‌خواهند حقوق بشر، آزادی‌های اساسی شهروندان و فعالیت‌های مدنی را حمایت کنند، دچار ناامیدی شده و به سود گروه‌های جنگ‌جو کنار خواهند کشید. افزون بر این‌ها، تن دادن نظام بین‌الملل به حاکمیت گروهی سرکوبگر و متکی بر کشتار، اعتبار کنوانسیون‌ها، توافق‌ها و قراردادهای جهانی را بیش از پیش آسیب خواهد زد و در بلندمدت به آشفتگی‌های بزرگتری در جهان خواهد انجامید.

بسیاری امیدوارند که تا رسیدن به دومین سالگرد سقوط نظام پیشین روزنه‌امیدی به تغییر در این کشور گشوده شود، هرچند بسیاری از تحلیل‌گران به این باورند که تا انتخابات ریاست جمهوری امریکا پشت سر نهاده نشود، تغییر عمده‌ای در معادلات سیاسی افغانستان نخواهد آمد.